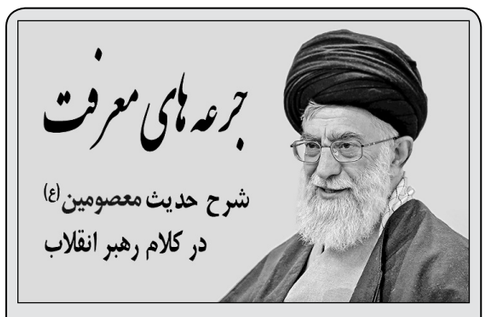

جرعه‌های معرفت

شرح حدیث معصومین(ع) در کلام رهبر انقلاب

خوبی‌های دیگران را بیاموزیم

عن امیرالمؤمنین(ع) عن رسول‌الله(ص): ان ابغض الناس الی‌الله تعالی من یقتدی بسیئه المؤمن و لایقتدی بحسنته.[1]

«امیرالمؤمنین(ع) از قول پیامبر(ص) نقل می‌کنند که فرمود: مبغوض‌ترین افراد در پیشگاه خدای تعالی کسی است که از بدی‌ها و لغزش‌های مؤمن پیروی می‌کند اما کارهای نیک او را یاد نمی‌گیرد.»

- ان ابغض الناس الی الله تعالی من یقتدی بسیئه المؤمن و لا یقتدی بحسنته؛ [این روایت را امیرالمؤمنین(ع) از قول پیامبر(ص) می‌فرمایند.] در معاشرت‌هایی که ما داریم، افراد گوناگون، هم خوبی‌هایی دارند، صفات حسنه‌ای دارند، محامدی دارند، هم لغزش‌هایی دارند، ضعف‌هایی دارند، نقص‌هایی دارند. بعضی‌ها که عاقلند، نگاه می‌کنند به حسنات دیگران و کارهای خوب آنها را یاد می‌گیرند؛ [مثلا] کوشای در درس است، یاد می‌گیرد؛ وقت‌شناس است، یاد می‌گیرد؛ دقیق و هوشمند است، یاد می‌گیرد؛ پرکار است، یاد می‌گیرد؛ [اما] بعضی نه، نگاه نمی‌کنند به خوبی‌های آنها؛ بدی‌ها را از آنها یاد می‌گیرند؛ این بلای عمومی‌ای است که ملت‌های مسلمان عقب‌افتاده، دوران‌های استعمار و بعد از استعمار، این رفتار را نسبت به اروپایی‌ها کردند. اروپایی‌ها، غربی‌ها صفات خوبی هم دارند، آن صفات خوب را یاد نگرفته؛ فرض کنید مردمانی هستند که وقت شناسند، خطرپذیرند، پیگیر در کارهایند که اینها جزو خصال اروپایی‌ها و غربی‌ها است و همین چیزها آنها را پیش برده اما اینها را یاد نگرفتند؛ صفات بد آنها را یاد گرفتند. [مثلا] آدمهایی هستند که در مسائل جنسی بی‌مبالاتند، آدم‌های دورو و متقلبی هستند، به دین و به فضایل انسانی و اخلاقی بی‌اعتنا هستند و از این قبیل؛ این چیزها را از آنها یاد گرفتند و آن صفات خوب و خصوصیات مثبت را که مایه پیشرفت آنها بوده و همان‌ها است که این ملت‌های غربی را با همه فسادهایشان نگه داشته- چون بالاخره خدای متعال برای هر شیء مثبتی یک اجر و پاداشی دارد و آن اجر و پاداشش همین است که [فرمود]: «کلا نمد هولاء و هولاء من عطاء ربک» (۲) هر دو [دسته:] اینان و آنان را از عطای پروردگارت مدد می‌بخشیم...» یاد نگرفتند. آنها آدم‌هایی هستند خطرپذیر، دنباله‌گیر، در راه‌های زندگی از حوادث نمی‌ترسند؛چه راه‌های دریاهای طوفانی را طی کردند برای اینکه به هندوستان برسند مثلا و آنجا را استعمار کنند. این همه طوفان، این همه زحمت، اینها خطرپذیری است. اینها صفات خوبی است؛ اینها را این ملتهای ما، مسلمان‌ها و عرب‌ها و همین‌هایی که می‌بینید، یاد نگرفتند اما ولگردی و بی‌عاری و زن‌پرستی و مسائل جنسی و عیاشی مشروب‌خواری و مانند اینها را یاد گرفتند، کراواتشان را یاد گرفتند، این لباس و فرهنگ و این چیزهایشان را یاد گرفتند. اینها «ابغض الناس» [هستند.] حالا در این روایت، «مؤمن» ذکر شده- حسنه المومن و سیئه المؤمن - و ما مثال در غیر مؤمن زدیم؛ در مؤمنین هم همین‌جور است؛ شما نگاه می‌کنید به یک نفری از دوستانتان، می‌بینید که آدم زرنگی است، پول دربیاور است، پشت هم‌انداز است، جفت و جور می‌کند، از این کارها می‌کند؛ به آن صفت نگاه می‌کنید اما به آن برادر دیگر شما که آدم پارسایی است، آدم پاکدامنی است، نگاه نمی‌کنید. این همین «ابغض‌الناس الی‌الله [تعالی] من یقتدی بسیئه المؤمن و لا یقتدی بحسنته» است.

* شرح حدیث در ابتدای درس خارج، ۱۳۸۳/۱۰/۲۰ به نقل از کتاب: نسیم سحر

۱- نوادر راوندی، ص ۱۰۰ ۲- سوره اسراء، بخشی از آیه ۲۰

با خورشید انقلاب
(خاطراتی از رهبر معظم انقلاب)

دل بی‌کینه و سعه صدر آقا نسبت به مخالفین

یکی از مطالب شنیدنی، برخوردهای آقا با مخالفینشان است که در این قضیه هم حضرت آقا انصافاً یک سعه صدر و یک بزرگواری ویژه‌ای دارند و سینه ایشان از هرگونه کینه و عقده و ناراحتی از هر کس پاک است؛ مثل آینه، صاف است، خدا می‌داند. من بارها خدمت ایشان، به تناسب وضعیت و مسئولیتم در دفتر و حوزه کاری‌ام، راجع به بعضی از روحانیون با ایشان صحبت کردم. وضعیتشان و گرفتاری‌هایشان را گفتم که یک توجهی به آنها بکنیم. بعضی‌ها را ایشان شناختند، فرمودند بله، این آقا مثلاً در فلان‌جا قبل از انقلاب عجب منبرهایی علیه ما می‌رفت! چه سخنرانی‌هایی علیه ما می‌کرد! چه کارها! چون ایشان از ناحیه بخشی از متحجرین در مشهد، حقیقتاً در فشار بودند؛ خودشان یک وقت چنین مضمونی را داشتند که من از ناحیه این متحجرین و مقدس‌نماها در مشهد، بیشتر تحت فشار و اذیت و آزار بودم تا ساواک! ساواک این‌قدر مرا آزار نمی‌داد.

من یک مورد، سراغ ندارم خدمت ایشان رفته باشم و راجع به یک روحانی یا کسی صحبت کرده باشم و توجهی را از آقا به او خواسته باشم و آقا بفرمایند نه، این جزو مخالفین ما بوده و این با ما نبوده و اعتنا نکنید. من سراغ ندارم. با اینکه زیاد هم رفتم و عمدتاً درباره این‌جور افراد سخن گفتم و حضرت آقا فرمودند: «سراغشان بروید و به آنها توجه کنید.»

در سفر مشهد- اردیبهشت سال ۸۶- دیدار علما با ایشان بود. همه علما و برجستگان حوزه مشهد بودند اما آقازاده یکی از آقایان و علمای مشهور مشهد، در جلسه ما نبود. ایشان حواسشان هم جمع است و پرسیدند: «چرا فلانی نبود؟» عرض کردم مثل اینکه ایشان را به خاطر سوابقی که داشته- چون می‌گفتند مقداری با دستگاه حکومت در زمان طاغوت، ارتباطاتی دارد- دعوتش نکرده‌اند. حضرت آقا فرمودند: «چرا دعوت نکردند؟» یعنی ایشان اصلاً نسبت به آن افراد که ایشان را اذیت کرده بودند، هیچ در دلشان چیزی ندارند و واقعاً دل پاک و صافی دارند.

*حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مروی - پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

وجود مانع در صفوف نماز جماعت

س) در نماز جماعت اگر بعضی از افراد صف‌های دوم یا سوم یا...، به واسطهٔ دیوار یا مانع دیگری، نتوانند هیچ یک از افراد صف جلو را ببینند - هر چند به واسطهٔ افراد کنارشان به جماعت متصل هستند - آیا اتصالشان به نماز جماعت صحیح است؟

ج) اتصال به جماعت، صحیح نیست.

خمس سرمایه‌گذاری در بورس

س) آیا به سرمایه‌ای که در بورس یا در محل دیگر سرمایه‌گذاری شده است، در سررسید سال خمسی، خمس تعلق می‌گیرد و باید خمس آن پرداخت شود؟

ج) مبلغ سرمایه‌گذاری شده اگر از درآمد کسب باشد، مشمول خمس است.

احتمال تضییع حقوق‌اشخاص یا مراکز

س) به خاطر عدم حساسیت و دقت در حساب، احتمال می‌دهم مبلغی حدود ۵۰۰، ۶۰۰ هزار تومان به اشخاص یا مراکزی بدهی داشته باشم. دقیقا هم نمی‌دانم چقدر و به چه کسی بدهکارم. چطور می‌توانم جبران کنم؟

ج) به مجرد احتمال، چیزی بر شما واجب نمی‌شود، اما می‌توانید برای احتیاط، مبالغ احتمالی را از طرف صاحبان آنها به فقیر صدقه بدهید و اگر مربوط به سازمان‌های دولتی باشد، مبلغ را به خزانه دولت واریز کنید.

شرط‌بندی یک طرفه

س) خودم و برادرم بعضی مواقع بازی می‌کنیم و برادرم می‌گوید اگر تو بردی به تو فلان مقدار پول می‌دهم ولی من نه، آیا این شرط‌بندی قمار محسوب می‌شود و حرام است؟ اگر پول ببرم آیا پول حرام است؟

ج) اگر بر اساس شرط مذکور پولی پرداخت شود، قمار و حرام است.

نقش و جایگاه ولی‌فقیه در حل مشکلات اساسی کشور

در مطلب پیش‌رو مبانی نظری حکومت جمهوری اسلامی و نیز اختیارات رهبری در قانون اساسی بازگویی شده و به این شبهه پاسخ داده شده که نقش رهبری در حل مشکلات کشور و خصوصاً مشکلات اقتصادی چگونه و تا چه حدی است و آیا رهبری نظام اسلامی - با وجود دستگاه‌های اجرایی - می تواند در امور اجرایی دخالت کند یا خیر؟ و اصولاً جایگاه رهبری در نظام اسلامی چگونه تعریف می‌شود؟

مبانی نظری حکومت اسلامی

نظام جمهوری اسلامی، نظامی است که در راستای حاکمیت خداوند متعال بر جهان هستی، پایه ریزی شده است و تلاش دارد تا بیشترین قرابت را با حکومت ایده آل و مطلوب برقرار کند، این نظام دقیقاً در راستای اندیشه سیاسی اسلام طراحی شده است و همین امر نیز ملاک اسلامی بودن آن به شمار می آید، از این روی وقتی از اسلامی بودن نظام جمهوری اسلامی صحبت می شود مقصود این است که این نظام ملاک های مشروعیت از منظر مبانی دین مبین اسلام را داراست؛ ملاک هایی که مبتنی بر مبانی نظری حکومت اسلامی می باشد، برای درک این موضوع مبانی نظری حکومت اسلامی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم :

حکومت اسلامی بر این اصل مهم و اساسی مبتنی است: «حاکمیت مطلق بر انسان و جهان از آن خداست و همو انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم گردانیده است»[1] این اصل از آیات متعددی ناشی شده است همچون این آیه: «ان الحکم الاالله»؛[2]. «حاکمیت نیست مگر از آن خدا».

پس هیچ کس حق حاکمیت و تصرف در شئون اجتماعی مردم را ندارد؛ مگر آنکه به دلیل معتبر شرعی منصوب یا مأذون بودنش از سوی خداوند، ثابت شده باشد، نصب یا اذن الهی می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم؛ یعنی از سوی پیامبر(ص) یا اوصیای او بیان شود، از طرف دیگر همه مسلمانان، پیامبر اکرم(ص) را منصوب از سوی خداوند می‌دانند، این حقیقت را قرآن مجید در آیات متعدد بیان کرده است، شماری از این آیات عبارت است از:

۱. «النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم...»؛[3]. «پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است».

۲. «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم»؛[4] «خدا را فرمان برید و از پیامبر و اولی‌الامر اطاعت کنید».

۳. «و ما کان لمؤمن و لا مؤمنهٔ اذ قضی الله و رسوله امراً اَن یکون لهم الخیره من امرهم...»؛[5] «هیچ زن و مرد مؤمنی را نسزد که وقتی خدا و فرستاده‌اش حکمی کنند، در کار خویش اختیاری داشته باشد و هر که نافرمانی خدای متعال و فرستاده‌اش کند، گمراه شده است».

همچنین شیعه امامیه، بر اساس ادله قطعی ائمه اطهار(ع) را امامان منصوب به نصب خاص از سوی پروردگار عالم می‌داند.[6]

افزون بر این، عالمان شیعه بر اساس ادله عقلی و نقلی، فقیهان عادل و با کفایت را منصوب از سوی شارع و نایب امام عصر(ع) در امر حکومت و رهبری سیاسی واجتماعی امت در عصر غیبت می‌دانند، البته این مسئله - که از آن به «ولایت فقیه» تعبیر می‌شود - به عصر غیبت اختصاص ندارد و در عصر حضور و بسط ید معصوم نیز امکان تحقق دارد؛ چنانکه مالک‌اشتر از سوی امیرمؤمنان(ع) به ولایت مصر منصوب شد.

از طرفی در شرایط حاضر، نظام جمهوری اسلامی ایران که هم مبتنی بر حاکمیت الهی بوده و مشروعیت خود را از ذات اقدس اله می‌گیرد و هم با خواست، رای و نظر مردم تحقق عینی پیدا می کند، حکومتی است که به جهت اخذ مشروعیت خویش از ناحیه خداوند متعال، نوعی حکومت و نظام دینی تلقی می شود و بدین ترتیب حکومت اسلامی در شکل نظام جمهوری تحقق پیدا می‌کند، به این معنی که متکی به آرای ملت و مبتنی بر قواعد و موازین اسلامی است[7] و چنین حکومتی با چنین ویژگی هایی قطعاً یک نظام اسلامی محسوب می شود.

در این میان ممکن است این سؤال پیش آید که با وجود اسلامی بودن نظام، چگونه شاهد معضلات، مشکلات و کاستی‌ها در این نظام هستیم و آیا وجود این قبیل کاستی‌ها با اسلامی بودن نظام دینی و لزوم کارآمدی آن منافات ندارد؟

واقعیت این است کسانی که اسیر چنین شبهاتی می شوند، نظام جمهوری اسلامی را نقطه آرمانی می بینند که با استقرار آن، باید به صورت ناگهانی و همزمان، کارآمدترین حکومت دینی که فاقد هر گونه مشکلات و کاستی باشد هم استقرار یابد و چون در مقام عمل شاهد چنین مسئله ای نیستیم پس اینگونه نتیجه می گیرند که یا این نظام، یک نظام اسلامی نمی باشد و یا اینکه اساساً نظام اسلامی، نظامی ناکارآمد است، این در حالی است که استقرار نظام جمهوری اسلامی تنها یک جزء از یک پروژه چند مرحله ای است که از یک مرحله آغاز و به مرحله نهایی ختم می شود و اگر این زنجیره به نهایت خود برسد، نباید هیچ گونه مشکل و کاستی در جامعه شاهد باشیم، البته این بدین معنا نیست که تنها در مرحله نهایی شاهد حذف همه مشکلات خواهیم بود بلکه منظور این است که اگر چه در مراحل قبل از مرحله آخر هم ممکن است دیگر شاهد مشکلات و کاستی‌ها نباشیم، اما قدر متیقنی که برای مرحله حل و فصل کامل مشکلات و کاستی‌ها می توان از آن دم زد، مرحله نهایی است.

نکته دیگری که ممکن است مطرح شود، نقش رهبری در حل و فصل مشکلات جامعه می‌باشد که در این زمینه لازم است متذکر شویم که اساساً انتظار اینکه کشور با وجود مدیریت خوب و بهینه رهبری فاقد هر گونه مشکلی باشد انتظار درست و بجایی نمی باشد، وقتی از نقش رهبری در حل مشکلات جامعه سخن به میان می آید مقصود این است که رهبری با توجه به اختیاراتی که بر اساس قانون برای ایشان پیش بینی شده است و نیز امکاناتی که در اختیار ایشان و نیز در کشور وجود دارد از چنان توانمندی برخوردار باشد که بتواند کشور را در مسیر رشد، شکوفایی و پیشرفت سوق دهد و از بار مشکلات کشور کم کند.

بر این اساس رسیدن به پاسخ این سؤال مستلزم این است که دو موضوع مورد بررسی قرار گیرد: نخست اختیارات رهبری بر اساس قانون اساسی و دوم بررسی کارنامه عملکرد رهبری بر اساس اختیاراتی که دارد.

اختیارات رهبری بر اساس قانون اساسی:

بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مهم‌ترین اختیارات رهبری عبارتند از :

۱. تعیین سیاستهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۲. نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام.
۳. فرمان همه پرسی.
۴. فرماندهی کل نیروهای مسلح.
۵. اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها.
۶. نصب و عزل و قبول استعفای : الف) فقهای شورای نگهبان. ب) عالیترین مقام قوه قضائیه. ج) رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی‌ایران. د) رئیس ستاد مشترک. هـ) فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. و) فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی.
۷. حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه.
۸. حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۹. امضا حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم. صلاحیت داوطلبان‌ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد.
۱۰. عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی یا رای مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد و نهم.
۱۱. عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه.

بر اساس مفاد این اصل، رهبری به جز برخی سمت‌ها همچون فرماندهی کل نیروهای مسلح، فاقد هر گونه سمت اجرایی بوده و مهم‌ترین نقش ایشان در کشور نیز هدایت جهت‌گیری‌های اصلی و کلان کشور در مسیر صحیح به طرق مختلف است. بر این اساس انتظار اینکه با وجود رهبری، مشکلات کشور یک شبه حل شود انتظار درستی نیست، بلکه انتظاری که از رهبری وجود دارد این است که سکان کشور را در مسیری هدایت کنند که روند امور رو به پیشرفت و مثبت باشد. به عنوان مثال در زمینه اقتصادی این انتظار که با مدیریت صحیح رهبری همه مشکلات اقتصادی کشور حل و فصل شود انتظار درستی نیست چرا که اولاً بخش اصلی و مهم مشکلات اقتصادی بایستی توسط مقامات و مسئولانی حل و فصل شود که این مقامات، در واقع منتخبان مردم هستند و رهبری هیچ نقشی در انتخاب آنها جز تایید اجمالی از طریق تنفیذ حکم ریاست جمهوری یا طرق دیگر مثل نظارت شورای نگهبان بر مصوبات مجلس نمایندگان مردم و... ندارد. بنابر این اگر مجلس منتخب مردم نتواند قانون درستی وضع کند و یا اینکه قوه مجریه منتخب مردم نتواند قوانین را به‌درستی اجرا نماید رهبری را نباید مقصر دانست. ثانیاً،مهم‌ترین وظیفه ای که رهبری در زمینه حل و فصل مشکلات اقتصادی دارد عبارت است از هدایت جهت گیری اقتصاد کشور در مسیری که در نهایت به رشد و شکوفایی اقتصاد کشور منجر شود، ولی مدت زمان تحقق نهایی این رشد و شکوفایی را نباید به اندازه ای کوتاه در نظر گرفت که با عدم پیدایش آن در کوتاه مدت، یاس و سرخوردگی و بروز شبهاتی در زمینه ناکارآمدی مدیریت رهبری به ذهن خطورکند. ثالثاً،مروری بر کارنامه عملکرد رهبری در طی این مدّت، حاکی از توانمندی ایشان در مدیریت کلان جامعه می باشد که مهم‌ترین جلوه های مدیریت رهبری در بخش اقتصادی عبارتند از :

۱. ابلاغ سیاست های کلان اقتصادی در حوزه‌های مختلف بر اساس بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی که در صورتی که به طور کامل مورد توجه و اهتمام دولتمردان نظام جمهوری اسلامی قرار می گرفت رفع کننده بسیاری از مشکلات کشور می شد.

۲. ارائه رهنمودهای لازم با هدف رشد و شکوفایی اقتصادی کشور بویژه در دوران بحران و شرایط سخت و حساس ناشی از تحرکات دشمنان که از جمله آنها باید به موضوع اقتصادمقاومتی‌اشاره کرد که نوعی مدیریت اقتصاد در شرایط تقابل با دشمنان است. ایشان با توجه به همین مسئله مدیریت کلان خویش را بر اقتصاد مقاومتی از طریق ارائه راهکارهای لازم و الزاماتی که در این مسیر وجود دارد بیان کرده‌اند که برخی از آنهاعبارتند از:

- مقاوم کردن کشور و اقتصاد [8]
- کاهش وابستگی به نفت [9]
- جایگزینی منابع درآمدی اقتصادی جایگزین با ویژگی آسیب ناپذیر یا با آسیب پذیری کمتر همچون صنایع دانش بنیان [10]
- حمایت از تولید ملی [11]
- مدیریت منابع ارزی [12]
- مدیریت مصرف [13]
- استفاده حداکثری از زمان، منابع و امکانات [14]
- حرکت بر اساس برنامه و پرهیز از تصمیمات خلق الساعه [15]

۳. نام گذاری سال‌ها به عناوین اقتصادی که هر کدام حاوی پیام های خاصی بوده و توجه درست به آن و عمل به مفهوم آن نامگذاری در آن سال و نیز تداوم آن در سال های بعد کشور را در مسیر رشد و شکوفایی اقتصادی هر چه بیشتر یاری می رساند.

با توجه به آنچه گذشت می توان دریافت اولاً، هدایت و رهبری جامعه و کشور عمدتاً در سطح کلان صورت می گیرد یعنی مدیریت و هدایت آن در سطح کلان آن از نکات مهم و ضروری یک جامعه است و جامعه درجهت رسیدن به اهداف خود نیازمند هدایت و مدیریت در سطح کلان است که رهبری این نقش را بر عهده‌دارد،البته این رهبری و هدایت جامعه در سطح کلان همراه با مسئولیت رهبری نسبت به کل جامعه است.

ثانیاً، جایگاه مردم و نقش تعیین‌کنندهٔ آرای ایشان در گزینش کارگزاران نیازمند هوشیاری و همکاری مردم با رهبر جامعه است تا خط مشی‌های ایشان را مردم با جدیت دنبال کنند و به مرحله تحقق رسانند، به همین خاطر نباید توقع داشت که حاکم جامعه اسلامی یعنی ولی فقیه به تنهایی بتواند از عهدهٔ این کار برآید. انجام این رسالت سنگین و ادای این مسئولیت بزرگ، نیازمند همکاری دلسوزانه و مستلزم هوشیاری خردمندانه مردم در امر گزینش کارگزاران و بازوان اجرایی ولی فقیه از یکسو و اعمال نظارت ایشان از سوی دیگر می باشد. لذا ضروری است که مردم شرایطی را مهیا کنند تا رهبر بتواند کاملاً مؤثر در این امر وارد شده و رهبری موثرخود را در این باره اعمال کنند.

ثالثاً،مسئولیت رهبری نسبت به کل جامعه به نحوی است که دیگر مسئولان باید دارای اختیارات و مسئولیت پذیری بوده و نسبت به امور محوّله پاسخگو باشند و مسئولیت رهبری نسبت به کل جامعه به شکلی نیست که با ورود ایشان در مسائل و امور مختلف باعث سلب اختیار مدیریت های دیگر مسئولان شود، از این رو دیگر مسئولان در حوزه مسئولیتی خود مسئولیت مستقیم آن را برعهده‌دارند و باید پاسخگو باشند، برای همین برخی نواقص و کاستی های موجود به رهبری برنمی گردد، زیرا هدایت و مدیریت یک مجموعه عظیمی چون کشور ما خواه‌ناخواه با نواقص و کاستی‌هایی همراه خواهد بود و وظیفه رهبری در حین مسئولیت نسبت به کل مجموعه، هدایت و مدیریت کلان آن است و در فرض استمرار ورود رهبری، بهانه برای بی مسئولیتی و کوتاهی های دیگرمسئولان خواهد بود و با وجود مسئول بودن رهبر درباره کل مجموعه، مسئولیت مستقیم آن به رهبری برنمی‌گردد چون بعضی مواقع با ورود رهبری در جزئیات و در سطوح پائین دستی بهانه سلب مسئولیت و اختیار را به وجود می‌آورد، بنابراین جامعه و کشور ما همچون سیستمی است که هدایت و مدیریت در سطح کلان آن بر عهده رهبری است و دیگر مسئولان در هریک از بخش‌ها مسئولیت مستقیم آن بخش را دارند و باید پاسخگو باشند و احیاناً خطا واشتباه و نواقصی که در هرکدام از این بخش‌ها به وجود می آید مسئولیت آن به رهبری بر نمی‌گردد، آنچه در رهبری جامعه مهم است رهبری در سطح کلان و جهت گیری درست کشور است که رهبری امام گونه حضرت آیت الله خامنه ای تا کنون توانسته است آن را به نحو شایسته ای به انجام رساند.

نتیجه‌گیری

اولا، نظام جمهوری اسلامی ایران که هم مبتنی بر حاکمیت الهی بوده و مشروعیت خود را از ذات اقدس اله می گیرد و هم با خواست، رای و نظر مردم تحقق عینی پیدا می کند، حکومتی است که به جهت اخذ مشروعیت خویش از ناحیه خداوند متعال، نوعی حکومت و نظام دینی تلقی می شود، ثانیا، نظام جمهوری اسلامی به دنبال حل مشکلات کشور است، اما رسیدن به نقطه آرمانی، نیازمند صرف زمان و همت همه مسئولان و همراهی مردم می باشد و نباید با دیدن نقطه آرمانی و فاصله ای که با آن نقطه وجود دارد، این نظام را ناکارآمد عنوان کرد، ثالثا، جامعه و کشور ما همچون سیستمی است که هدایت و مدیریت در سطح کلان آن بر عهده رهبری است و دیگر مسئولان در هریک از بخش‌ها مسئولیت مستقیم آن بخش را دارند و باید پاسخگو باشند و احیاناً خطا واشتباه و نواقصی که در هرکدام از این بخش‌ها به وجود می آید مسئولیت آن به رهبری بر نمی‌گردد، آنچه در رهبری جامعه مهم است رهبری در سطح کلان و جهت گیری درست کشور است که رهبری امام گونه حضرت آیت الله خامنه‌ای تا کنون توانسته است آن را به نحو شایسته‌ای به انجام رساند.

مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم

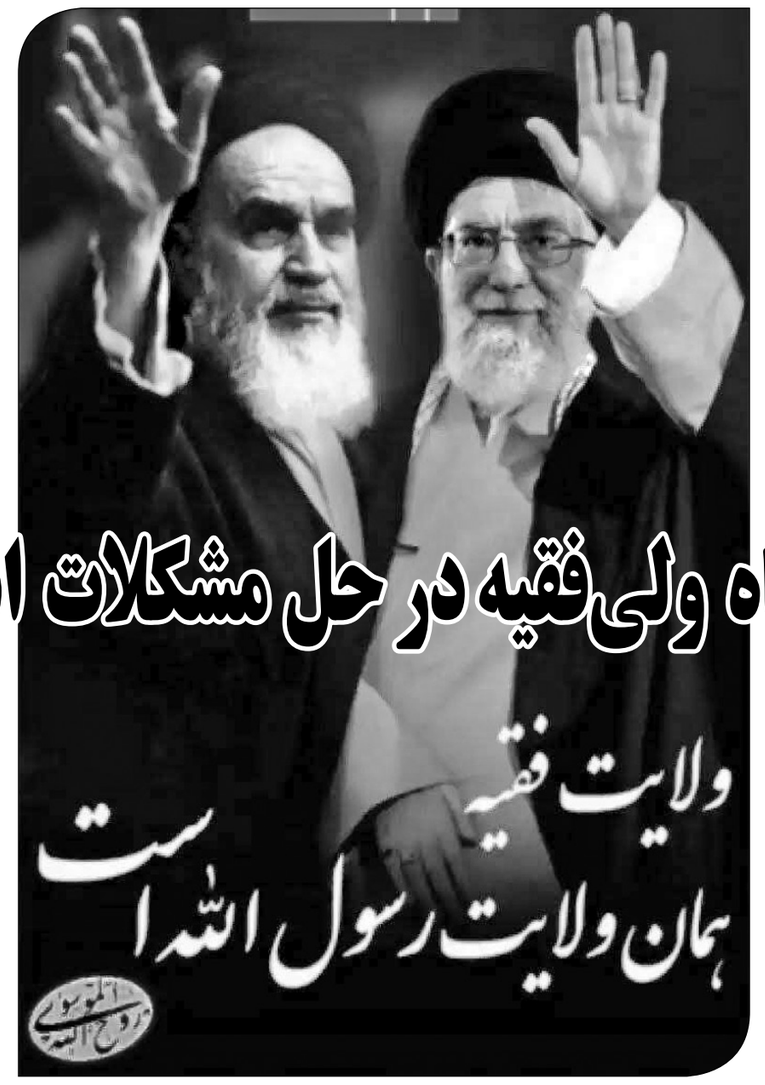

اساساً انتظار اینکه کشور با وجود مدیریت خوب و بهینه رهبری، فاقد هر گونه مشکلی باشد انتظار درست و بجایی نمی باشد، وقتی از نقش رهبری در حل مشکلات جامعه سخن به میان می‌آید مقصود این است که رهبری با توجه به اختیاراتی که بر اساس قانون برای ایشان پیش‌بینی شده است و نیز امکاناتی که در اختیار ایشان و نیز در کشور وجود دارد، از چنان توانمندی برخوردار باشد که بتواند کشور را در مسیر رشد، شکوفایی و پیشرفت سوق دهد و از بار مشکلات کشور کم کند.

مهم‌ترین وظیفه‌ای که رهبری در زمینه حل و فصل مشکلات اقتصادی دارد عبارت است از هدایت جهت‌گیری اقتصاد کشور در مسیری که در نهایت به رشد و شکوفایی اقتصاد کشور منجر شود، ولی مدت زمان تحقق نهایی این رشد و شکوفایی را نباید به اندازه ای کوتاه در نظر گرفت که با عدم پیدایش آن در کوتاه‌مدت، یاس و سرخوردگی و بروز شبهاتی در زمینه ناکارآمدی مدیریت رهبری به ذهن خطورکند.

در زمینه اقتصادی این انتظار که با مدیریت صحیح رهبری همه مشکلات اقتصادی کشور حل و فصل شود انتظار درستی نیست چرا که اولاً بخش اصلی و مهم مشکلات اقتصادی بایستی توسط مقامات و مسئولانی حل‌و فصل شود که این مقامات، در واقع منتخبان مردم هستند و رهبری هیچ نقشی در انتخاب آنها جز تایید اجمالی از طریق تنفیذ حکم ریاست جمهوری یا طرق دیگر مثل نظارت شورای نگهبان بر مصوبات مجلس و... ندارد. بنابر این اگر مجلس منتخب مردم نتواند قانون درستی وضع کند و یا اینکه قوه مجریه منتخب مردم نتواند قوانین را به‌درستی اجرا نماید رهبری را نباید مقصر دانست.

پی‌نوشت‌ها:

۱.قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل پنجاه و ششم.
۲. انعام، آیه ۵۷.
۳.احزاب، آیه ۶.
۴. نساء، آیه ۵۹.
۵. احزاب، آیه ۳۶.
۶.برای آگاهی بیشتر ر.ک: مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن (تفسیر موضوعی قرآن)، ج ۹؛ امامت در قرآن.
۷. همان، ج ۴، ص ۱۶۹.
۸ ۰۱/۰۱/۱۳۹۲.
۹/ ۰۳،۱۰/۰۵/۱۳۹۱
۱۱/۱۲. ۰۲/۰۶/۱۳۹۱
۱۳/۱۴/۱۵ .۰۳/۰۵/۱۳۹۱

چراغ راه

هلاکت با احسان، بدترین مصیبت

قال الامام علی (ع): «کم من مستدرج بالاحسان الیه، و مغرور بالستر علیه، و مفتون بحسن القول فیه، و ما ابتلی الله سبحانه احدا بمثل الاملاء»

امام علی (ع) فرمود: چه بسیار کسی که با احسانی که در حق او شده به استدراج (سیر تدریجی به سوی هلاکت) مبتلا گردیده، و چه بسیار بنده‌ای که به خاطر اینکه گناهش را پوشانده‌اند مغرور شده، و چه بسیار بنده‌ای که به خاطر آنکه از او نیک گفته‌اند، دچار فتنه و لغزش گردیده است، و خداوند سبحان هیچ‌کس را با چیزی (مصیبتی) مثلا املاء (مهلت دادن برای هلاکت) مبتلا نکرده است. [1]

۱- نهج‌البلاغه- حکمت ۱۱۶ و ۲۶۰

حکایت خوبان

کمین‌گاه‌های شیطان در انحراف مالی

در روایات متعدد آمده است که شیطان در کمین است تا در بعد چگونگی کسب درآمد و مصرف آن انسان را منحرف نماید. پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: شیطان گفت: کسی که دارای مال است، نمی‌تواند در سه موقعیت به سلامت از زیردست من بگذرد و جان سالم به در ببرد. چون من صبح و شام به سراغش می‌آیم تا او را بالاخره در یکی از این مواقف به زمین بزنم. تلاش می‌کنم که اولا مالش را از مسیر غیرحلال به دست آورد، یا آنکه کاری می‌کنم که درآمدش، در جای نامناسب مصرف شود و یا در آخر کاری می‌کنم که مال برایش محبوب شود و آن را دوست بدارد. اینجا است که دیگر مال را در راهی که باید خرج کند، خرج نمی‌کند. [1]

۱- کنزالعمال، ج ۳، ص ۲۳۵

پرسش و پاسخ

تفاوت مکر خدا با مکر بنده (۲)

پرسش:

اینکه خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: آنان مکر کردند و خدا هم مکر کرد و خدا بهترین مکر کنندگان است. به چه معنا است و تفاوت مکر خدا با مکر بندگان در اینجا چیست؟

پاسخ:

در بخش نخست پاسخ به این سؤال به ماهیت مکر بنده که رسیدن به غرض فاسد خود است و ماهیت مکر خداوند که یک نوع عقوبت و قهر در مقابل عمل زشت بنده‌اش است پرداختیم. اینک در ادامه دنباله مطلب را پی می گیریم.

باید دانست که مکر و حیله به معنای چاره‌جویی و نقشه‌کشی و به دست آوردن اسباب خفیه است برای رسیدن به منفعت یا دفع مضرت و آن بر دو قسم است، مکر خوب و رحمانی و مکر زشت و شیطانی، مکر خوب آن است که برای رسیدن به منفعت حلالی از راه‌هایی درست نقشه‌کشی کند و یا اینکه برای جلوگیری از رسیدن مضرات و زیان به خود یا دیگری چاره‌جویی کند و برای نجات خود یا مظلومی دیگر از شر ستمگری، چاره‌اندیشی کند و خلاصه چاره‌جویی به غرض صحیح، عقلا و شرعا پسندیده و ممدوح است. مکر بد آن است که به غرض شیطانی چاره‌اندیشی کند مثل اینکه برای رسیدن به منفعت حرامی باشد یا رساندن زیان و ستم به مظلومی یا برای جلوگیری از ظهور و اثبات حقی نقشه‌کشی کند.

آنچه گفته شد راجع به مکر آدمی است. و اما مکر الهی، شکی نیست که همان مکر صحیح و ممدوح است یعنی نقشه‌های شیطانی ستمکاران را باطل می‌فرماید، زیان‌های مکر آنها را به خودشان بر می‌گرداند، دین و طرفداران آن را بر دشمنان غالب می‌فرماید.

دیگر آنکه مکر الهی، مکر جزائی و ثانوی است یعنی در برابر مکر گنهکاران و ستم‌پیشه‌گان به آنها مکر می‌فرماید. برای آشکار شدن معنای مکر الهی، آیاتی از قرآن مجید که در این‌باره وارد شده است نقل می‌گردد. (و مکروا و مکرالله والله خیر الماکرین). (آل‌عمران- ۵۴)

یعنی یهود و دشمنان مسیح (ع) برای نابودی او و آیینش، مکر کردند؛ یعنی نقشه کشیدند و با طرح‌های شیطانی خود می‌خواستند جلو این دعوت الهی را بگیرند و خداوند هم در برابر مکر آنها مکر فرمود؛ یعنی برای حفظ جان مسیح و آیینش، تدبیر کرد و چاره‌جویی نمود و نقشه‌های آنها نقش برآب شد و خداوند بهترین چاره‌جویان است.

شخصی به نام یهودا جزء حواریین حضرت مسیح (ع) شد ولی منافق و در باطن جاسوس بود تا در شبی که حضرت مسیح در محلی تنها بود و از حواریین کسی با او نبود، این منافق، یهود را با خبر کرد، شب تاریکی بود، یهودا را گفتند داخل شو و مسیح (ع) را بیرون آور تا او را بکشیم، چون یهودا وارد شد، خداوند مسیح (ع) را نجات داد و چون یهودا او را ندید، به سوی یهود برگشت و خداوند او را به شکل مسیح نموده بود، لذا او را گرفتند و هر چه فریاد کرد من یهودا هستم نه مسیح گوش به حرفش ندادند و بالاخره او را کشتند. و بعضی گفته‌اند یهودا شباهت زیادی به مسیح (ع) داشت و در آن شب به جای او دستگیر و کشته شد.

(و اذ یمکر بک الذین کفروا لیثبتوک او یقتلوک او یخرجوک و یمکرون و یمکرالله و الله خیر الماکرین). یعنی: و چون کفار مکر کردند با تو ای محمد(ص) (انفال-۳۰) که تو را حبس کنند یا بکشد یا تبعید کنند و مکر می‌کردند و خداوند هم مکر فرمود، پس مکر آنها را باطل نمود و تو را نجات داد و خداوند بهترین چاره‌جوهاست. بزرگان قریش در دارالندوه جمع شدند تا درباره از بین بردن حضرت محمد (ص) اندیشه کنند، «ابوالبختری» گفت: باید او را در خانه‌ای محبوس نمود و در را بر او محکم بست و از روزنه‌ای آب و نان به او رسانید تا بمیرد. شیخ نجدی گفت: این رای باطل است؛ زیرا بنی‌هاشم و سایر یارانش او را نجات خواهند داد.

ادامه دارد